

## زن در منظر اندیشه ترقی

احمد آکوچکیان

بانوی بزرگ، ای مرز نیکی و بدی و فراخوان به فلاح، ای بلوغ و شکوفایی آدمیت، ای روشنایی دیده رسول، ای بزرگ، ای راهنما

با تو همه وجودم، اندیشه‌ام، قلبم، روحم و رفتارم را به سوی خداوند جهت بخشیده‌ام و اینک نیاز خود آگاه همراهی تو با من را به پیشگاهت آورده‌ام.

اکنون در این وادی عجز و فنا تو وسیله‌ام، تو پای رفتنم باش تا معراج

بانوی من،

من در «خود مرام تو را یافته‌ام که راهبر منی تا بلندای تعالی و هم ذخیره منی و توشه من در برهه‌های کم داشتنها و نداشتنها و نیازهایم در وادی سیر و سلوک تا آن اوج به سوی خداوندگارمان

بانو، تنها با محبت و قرب تو امید نجات دارم،

ما را بپذیر<sup>(1)</sup>

بدایت سخن

شناختی نظام‌گونه در چارچوبه منظر برگزیده اندیشه ترقی، درباره سنت و زندگانی اصلاحی فاطمه زهرا علیهاالسلام و از این رهگذر، آشنایی عمومی با مقوله تحقیق و توسعه زنان از منظر بینش دین شناختی تحقیق و توسعه در قالب یک الگوی روش شناختی منقح، به ویژه از دیدگاه اصل کارآمدسازی فکر دینی، غرض نگارش این مکتوب کوتاه است. البته هر کدام از فرازهای مکتوب مزبور تحلیل و توضیحی تفصیلی‌تری طلبند که در جای خود آمده است.

1- انتظار از دین در بدایت شکل‌گیری و بیان و بروز خواهانی آدمیان، بیرون دینی است و بیش از همه، برآمده از نوع انسان‌شناسی مقبول ماست. از آن پس که چشم‌انداز آغازین و گره‌های محوری و فطری و انسان شناختی ما اندکی به روشنایی گراییدند و خاستگاه درونی معینی یافتند نوبت به آموزه‌های درون دینی می‌رسد، تا آفاق و ابعاد و ژرفای این انتظار را در عین تنقیح و سره‌سازی، هم بسط دهند و هم عمق و ژرفای بیشتری در درون آدمی بخشند و نیز پیچیدگی‌ها و ظرافتهای بی‌شمار آن را با نظر به فرآیند عظیم تعالی فردی و اجتماعی انسان به عیان آورند.

جویایی و خواهانی آدمیان از خود و مذهب - که این البته بیشتر صبغه انسان‌شناختی دارد - به شکل‌گیری نوع انتظار از دین در مردمان دست می‌دهد - که این هم از مقولات فلسفه دینی است - و در راستای آن بینش انسان‌شناختی و این انتظار از دین، دین تعریف و تفسیر می‌شود و به این قرار نیز، در راستای آن انتظار برگزیده، دیدگاه‌های دین‌شناختی ما ناظر به امور منتظر، می‌توانند شکل بگیرند و در دو عرصه نظر و اقدام به آزمون تجربیت درآیند و اما جویایی زن امروز در همین راستا و با این چشم‌انداز تحلیلی، تبیین‌پذیر است.

2- گفتمان توسعه‌ای اینک چند دهه است، به عنوان گفتمان غالب فکر ترقی، مدار خواهانی انسان امروز و مضمون اصلی انتظار جامعه امروز از دیانت عهده‌دار مدیریت و حکومت شناخته می‌شود و کم یا بیش و به تدریج شاخصه اصلی نهضت یا سازمانی فکر دینی برگرفته می‌شود. از منظر انتظار ترقی‌بخش و هدایت‌آفرینی دین، در این دوره، آموزه‌های دین در سه حوزه مطالعات توسعه‌ای مورد توجه و شناسایی قرار می‌گیرد و تحلیل می‌شود. این توجه و تحلیل به عینه در موضوع گفتمان توسعه‌ای زنان نیز ساری و معمول افتاده است. اینکه دین چه آموزه‌هایی در تصویردهی از وضعیت آرمانی و مطلوب آدمیان در هر دو وجهه حیات فردی و اجتماعی دارد و در قالب یک نظام و دستگاه کارآمد این آموزه‌ها چه سامان و ساختاری دارند. به این قرار در موضوع گفتمان توسعه‌ای زنان، پرسش آن است که دین چه تصویر تفصیلی و نظام‌واره از زن الگو و وضعیت مطلوب زنان دارد.

- اینکه چه میزان تعالیم دین می‌توانند به گونه‌ای تجربه‌پذیر در تحلیل و نقد وضعیت موجود فردی و اجتماعی جامعه انسانی به ویژه با توجه به عناصر و خاستگاه تاریخی آن وضعیت، جریان یا بند، نگاه تحلیلی و نقدی به وضعیت موجود جامعه زنان در این راستا قرار دارد.

- اینکه آموزه‌های دین برای هدایت و راهبری آدمیان از وضعیت موجودشان به سوی وضعیت مطلوب برای دستیابی به تعالیم عملی و راهکارها و سیاستها و برنامه‌ها چه قابلیت‌هایی دارد. در مقوله گفتمان توسعه‌ای زنان این پرسش نیز به عینه جاری است.

حضور شکوفا و هدایت‌آفرین دین در عرصه امور انسانی - اجتماعی در تحول - و از جمله و برای مثال در عرصه وجوه روانشناختی و جامعه‌شناختی جامعه زنان - و کارآمدی فکر خالص دینی در عرصه‌های یادشده در گرو سامان‌یابی گفتمان ترقی در ساخت فکر دینی و از این رهگذر جریان‌یابی روشمند و سیستماتیک آن در سه حوزه درونی تحقیق و توسعه (R & D) می‌باشد.

یک نظریه جامع تحقیق و توسعه زنان فراگیر سه حوزه مزبور و در درون آن یک نظام طولی با پیوستگی متقابل معین است که کلیت این حوزه به طور عام و هر کدام از حوزه‌های زیر مجموعه به طور خاص، دارای مبانی ادراکی معین (از مبانی معرفت‌شناختی تا مبانی معرفتی) می‌باشد. فکر دینی در نگاه به مقوله زن و توسعه در چارچوبه یک ساختار و فرایند منطقی از مبانی نظری (ادراکی) توسعه به شکل گرفتن می‌آغازد و بر پایه مبانی نظری مزبور به توضیح وضعیت مطلوب

اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی زنان در قالب سیستم‌های مرتبط با آن و توجیه الگوی مطلوب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌پردازد. دو مبنای تئوریک و ارزشی مزبور، خاستگاه فرایند مدیریت کاربردی زن در توسعه در مراحل تدوین الگوی کاربردی توسعه، تا سیاست‌گذاری، موضوع‌شناسی و برنامه‌ریزی توسعه قرار می‌گیرد.

سه حوزه اندیشه‌ای و مطالعاتی یادشده، برآمده از یک نظام فکری مبنا، متشکل از دو دسته معارف در طول یکدیگر می‌باشند:

— معارف درجه اول تجربیدی، اعتباری و تجربه‌پذیر و غیرمتافیزیکی - غیر علمی که خاستگاه معرفتی سه حوزه تحقیق و توسعه‌اند.

— معارف درجه دوم یا مبانی معرفت‌شناختی به مفهوم عام (شامل مبانی فلسفه علم، مبانی روش‌شناختی، مبانی فلسفه زبانی و مبانی روانشناختی و جامعه‌شناختی معرفت)

بسته به مبانی برگزیده معرفت‌شناختی و نوع منظر برگزیده در موضوع انتظار از دین، معارف درون دینی در پیوستگی و هماهنگی با معارف بیرون دینی در قلمرو معارف درجه اول جریان می‌یابند و در راستای همان مبانی و منظر یاد شده، در سه حوزه تحقیق و توسعه ساری خواهند بود. مجموعه آن حوزه‌ها و این مبانی معرفتی در یک نظام مخروطی قرار دارند که مبانی مزبور در قاعده آن قرار دارد.

مصلحان فکری و اجتماعی دیندار معاصر، بسته به میزان دریافت از اندیشه ترقی و سامان گفتمان برگزیده خویش از فکر ترقی، قرائت خاصی را نیز از آموزه‌های دین برای مخاطبان خویش تصویر نموده‌اند. انقلاب اسلامی و دغدغه اسلامی نمودن نظام، این خواهانی را تشدید کرده است.

3- از تعالیم دین، سنت اولیای معصومین علیهم‌السلام از جمله به دلیل زندگی ملموس فردی و اجتماعی آنان و با این زندگانی، تفسیر زنده و کاربردی آموزه‌های حیاتی از منظر امر ترقی‌بخشی و انتظار آن، به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه، مورد نظر و توجه بوده است. انتظار ترقی‌بخشی از دین، از جمله در بردارنده این پرسش جزئی است که سنت اولیای معصومین علیهم‌السلام به طور عام و در خصوص زنان به طور خاص سنت فاطمه زهرا علیهاالسلام، در آن مخروط نظام طوری فکری ترقی و حوزه‌های مطالعاتی آن چه میزان جریان می‌یابد. تصویر بخش‌گویی از سنت بانوی بزرگ برای دوره معاصر و زن امروز در گرو آن است که نشان دهیم سنت آن بزرگ در حوزه‌های مطالعاتی و اندیشه‌ای یادشده و به ویژه از جنبه‌های مبنایی و تفسیر نظام مطلوب قابلیت جریان‌یابی دارد.

4- چکیده تحقیق آن است که انتظار ترقی‌بخشی، لبّ و جمع‌بند انتظار مردمان از دین است و با این خواهانی به تفسیر و شناخت و تبیین دین می‌پردازند. فاطمه زهرا علیهاالسلام تبلور و تحقق عینی این انتظار و خواهانی است. بانوی بزرگ انسان هادی است و سنت او، آموزه اصول ترقی و تعالی‌یابی آدمیان در دو عرصه حیات فردی و اجتماعی، می‌باشد. ساختار

منطقی یک نظریه توسعه‌ای - به عنوان گفتمان غالب فکر ترقی و در دوره معاصر - چارچوبه نظری و الگوی روش‌شناختی این شناخت و تفسیر قرار می‌گیرد.

- در معارف و اندیشه‌های بنیادین و مبنایی، آموزه‌های بانوی بزرگ اندیشه‌های تجربیدی به ویژه اصول مبانی فلسفه اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و حقوقی را - که توجیه نظام مطلوب فردی و اجتماعی است - در خود دارد.

- الگوی مطلوب حیات فردی و اجتماعی و در این راستا زن الگو و الگوی مطلوب زن مسلمان در تعالیم او قابل دانستن است.

- سنت بانوی بزرگ می‌تواند چشم‌اندازی در تحلیل نقادانه وضعیت موجود فردی و اجتماعی هر جامعه‌ای باشد.

- و با آموزه‌های او می‌توان اصول راهبردها و الگوی عملی راه‌بردن از وضعیت موجود خویش تا وضعیت آرمانی را، دریافت. بانوی بزرگ با زندگی و با انتخاب مرگش این تعالیم را در آزمون عینی زندگی تاریخی‌اش نشان می‌دهد و به تجربیت توفیق ترقی‌بخشی آن را باز می‌نماید.

کوتاه آنکه می‌توان با سنت بانوی بزرگ به منظری و نظام اندیشه‌ای و فکری بر مدار فکر و ترقی و تعالی درباره دستگاه و نظام حوزه مطالعات زنان دست یافت که بر مدار فکر تعالی و ترقی اصول نظریه دین‌شناختی مطالعات توسعه‌ای زنان را به عزم تأثیرگذاری بر مطالعات و مدیریت توسعه‌ای زنان استنباط نمود.

به دست دادن تفصیلی این دیدگاه دو تحقیق مشروح می‌طلبید، یکی کاوش در نظام حوزه مطالعات و تحقیقات زنان با تأکید بر محوریت اندیشه ترقی و دیگری کاوش مشروح در سنت بانوی بزرگ از منظر اندیشه تعالی و نظام حوزه مطالعات و تحقیقات زنان و البته در این فرصت کوتاه مجال هیچکدام نیست.

با آنچه گذشت برای کاوش از مسئله، این مطالعه کوتاه را در چهار فصل سامان می‌بخشیم:

1- فصل اول برخی شاخصه‌های عمومی را در بردارد. مفاهیم محوری در مقوله زن و اندیشه ترقی و شناخت‌هایی عمومی درباره بانوی بزرگ علیهاالسلام در این بخش مورد توجه‌اند.

2- در فصل دوم، اصول حرکت‌های اصلاحی بانو مورد تأملی کوتاه قرار می‌گیرد.

3- در فصل سوم، به حضور دیدگاه آرمانی پیشنهادی بانوی بزرگ از وجهه انسانی نظر می‌افکنیم و کوشش می‌کنیم تا ساختار الگوی دین‌شناختی ترقی انسانی زن را در عرصه تجدد روانشناختی، نشان دهیم و ابعاد اندیشه‌ای، روحی و رفتاری حضور زن در فرایند تعالی را به مدد سنت بانوی بزرگ در قالب یک الگوی نظام‌واره، اندکی تحلیل کنیم.

4- در فصل چهارم بر پایه تعالیم فردی و تربیتی، نوبت به بررسی دیدگاه دین‌شناختی ترقی و توسعه اجتماعی در سنت بانوی بزرگ می‌رسد. اصول تحلیل توصیفی از وضعیت عصر خویش، ساختار الگوی مطلوب وضعیت اجتماعی در دیدگاه فاطمه زهرا علیهاالسلام و بالاخره راهبردها و اصول کاربردی اجتماعی - سیاسی بانوی بزرگ در عصر خود، ارکان این بررسی و تحلیل‌اند.

## فصل اول

### شناخت‌های نخست

برای آشنایی با بانو، اندیشه ترقی، منظر بایسته‌ای است، این دیدگاه را بایستی به درستی شناخت و آشنایی‌های کوتاهی نیز پیش از تحلیل دیدگاه دین‌شناختی پیشنهادی بانو برای ترقی، مهیا داشت.

ترقی و تعالی، یک نگاه برگزیده به سنت بانوی بزرگ

ترقی فارغ از تبعیض جنسیتی، مضمون اصلی نیاز زن امروز از دین است که این خود مبنای فلسفی مفاهیم مربوط به تعالی و توسعه می‌باشد که بایستی تعریف سزاواری از آن به دست داد. در مفهوم پیشینی ترقی، گرایش به تغییرات با دوام و مستمر مطلوب‌تر در همه ابعاد و ارکان وجه نظرها و گرایشهای فردی و ساختار و رفتار و فرایند اجتماعی و در سیاست و اقتصاد است.

اعتقاد به ترقی مفهومی است که دارای ماهیتی نظری - تجربی است و برپایه گرایش به بهینه‌سازی انسان و جامعه براساس قوانین کلی حاکم معینی، استوار است. یک مفهوم درونی این عقیده آن است که عقل جزئی و ابزارانگار در خدمت بینش آرمانی به وضعیت مطلوب و عقل کلی‌نگر و آرمان‌خواه و تعالیم و حیانی قرار گیرد. ترقی، متشکل از تغییراتی است که در یک جهت معینی صورت می‌پذیرد و این جهت به طرف مطلوب‌تر شدن اوضاع و احوال نسبت به وضعیت قبلی است.

ترقی و تعالی از نگاه و تفسیر دینی آن و در نمونه آن سنت فاطمه زهرا علیهاالسلام، هدایت است و فلاح و رشد و دین اسلام الگو روش هدایت به صراط مستقیم تا توحید.

ترقی و به این قرار پدیده ترقی و تعالی و تجدد در امر انسانی، فارغ از انواع گفتمانهای دینی و غیردینی درباره آن، از وجهه نظر فلسفی، دارای دو حوزه معنایی پیوسته است.

1- یکی تغییر و حرکت در حوزه امر فردی و روانشناختی در ابعاد معرفتی، روحی و رفتاری که حرکت و تجدد فردی و یا تجدد روان‌شناختی نیز، نامیده شده است.

2- دیگری تغییر و حرکت در حوزه امر اجتماعی و جامعه‌شناختی در ابعاد فرهنگی توسعه، در این چشم‌انداز انسانی تنها وجهه جامعه‌شناختی آن نیست و بلکه فراگیر مفهوم روانشناختی آن نیز یعنی اهتمام به عنصر انسانی و فردی آن هم هست.

بهترین تعریفی که می‌توان برای تجدد روانی، آن طور که این اصطلاح در متون ترقی و تعالی مورد استفاده قرار گرفته است، ارائه داد این است که «مفهوم وصل‌کننده‌ای» است که فرایندهای تغییر را در سطوح فردی و اجتماعی به هم مرتبط و متصل می‌سازد. تجدد روانی به مجموعه‌ای از حالات فردی (یستارها، ارزشها، سبکهای شناختی، ویژگی‌های شخصیتی و ...) اطلاق می‌شود که در مجموعه تجارب اجتماعی قابلیت جریان یافتن دارد.

دین، با توجه به ادبیات این تحقیق عبارت است از: شیوه مدیریت حرکت و تغییرات و فرایند ترقی انسانی - و در ادبیات دینی هدایت انسانی - (روان‌شناختی یا فردی و جامعه‌شناختی یا اجتماعی) رو به جاذبیت الهی با تکیه بر مجموعه‌ای از اصول ابدی برگرفته از حقایق خدادادی (و حیانی، قابل استنباط از کتاب و سنت معصومین علیهم‌السلام) و عقلانی، در هماهنگی مستمر با یکدیگر.

قرآن کریم و سنت (زبان و زندگی) پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان معصوم علیهم‌السلام گزارشگر آموزه‌های دیانت حق‌اند و فراخوانی هستند به بینشی عمیق و فراگیر و کارآمد در ابعاد هدایت اسلامی و هدایت دینی خود، شامل «تربیت» انسانی از سازندگی و راهبری فرد و شکوفایی قابلیت‌ها و استعداد‌های انسانی به منظور سازندگی و راهبری و به ثمر رساندن بهینه قابلیت‌ها و امکانات جامعه آغاز می‌شود و «مدیریت اجتماعی»، عبارت است از ساختن و راهبری و جهت‌دهی به جامعه (به ساخت اجتماعی، رفتار تحولات و تغییرات اجتماعی و فرایند اجتماعی) به منظور شکل‌دهی و هدایت درست و تربیت بر صواب فرد و عناصر انسانی جامعه و زمینه‌سازی شکوفایی نهایی آدمیت و انسانیت در همه ابعاد جامعه.

فاطمه الگوی جاودان انسان آرمانی و نشانگر انسان و جامعه ایده‌آل

در هنگامه‌های توفان تاب

ما همواره

بر صخره‌های فهم و باور تو

پای سفت کرده‌ایم

تو را که همیشه بوده‌ای می‌خواهیم.

فاطمه زهرا علیهاالسلام انسان هادی است و ترقی، تعالی و هدایت و فلاح برای فرد و جامعه خواهانی و پرسش ما از آستانه آن بزرگ می‌باشد. این پرسش و خواهانی منظر ما در شناخت سنت بانوی بزرگ است. در شناخت نخست، مفاهیم اساسی دیدگاه دین‌شناختی ترقی به اجمال یادآور، می‌گردد تا منظر پیشنهادی اندکی تفصیل گیرد و زمینه اصلی مطالعه سنت بانوی بزرگ فراهم‌تر آید.

فاطمه علیهاالسلام الگوی تربیت و حضور اصلاحی در جامعه، الگوی جاودان انسان آرمانی، زن راهنما و نشانگر انسان و جامعه ایده‌آل است. از امام زمان علیه‌السلام وارد شده است که:

و فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة<sup>(2)</sup>

الگوی حسن، الگوی صادق و سعادت‌آفرین، حرکت و سلوک و حیات و کمال پایدار فرد و جامعه است.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌گوید:

... فاقتدوا بالزهره (... والزهره فاطمة)<sup>(3)</sup>

و امام باقر علیه‌السلام خطاب به زنی که پی‌جوی الگو و معیار و ملاک و روش سزاوار زندگی است می‌گوید:

تو اگر طالب فضیلتی، راه زهرا علیهاالسلام را پیش گیر.<sup>(4)</sup>

حضور این الگو را به ویژه در رویارویی با جاهلیت همواره تاریخ بشریت به طور مقایسه‌ای بهتر می‌توان سنجید و شناخت. آنگاه شناختی کلی از زهرای مرضیه علیهاالسلام و به آموزگاری او، زینب کبری علیهاالسلام و فاطمیان و زینبیان سده‌های پس از وی، برای دانستن‌نیه‌های بعدی ضرورت می‌یابد و این‌گونه می‌توان تصویر روشن‌تری از نقش دین و سنت فاطمه زهرا علیهاالسلام در زندگی بشر داشت.

فاطمه علیهاالسلام، در عرصه سه جریان و سه شناخت

بانو از آن اولین هنگام که جان آدمی، آگاهیها را درمی‌یابد و پرورش می‌گیرد، تحت تعلیم و پرورش آموزه‌های وحی، خانواده و به خصوص پدر است و فاطمه علیهاالسلام به این‌گونه می‌آموزد و می‌بالد. وجود صدیقه طاهره علیهاالسلام، فراگیر سه جریان وجودی است و شناخت او در گرو شناخت این سه جریان عظیم تربیتی و وجودی اوست.

اول: جریان وجودی او به عنوان صاحب ولایت کبری و اسرار باطنیه

نفس قدسی زهرای مرضیه علیهاالسلام، از سراسر عالم ربوبی برای هدایت آدمیان به این جهان آمده است، جریان عظیم وجودی که اساس هستی شناختی پایداری و حقانیت و فراتری از زمان و مکان سنت اوست و مبنای نظری، کلامی نظام

تربیتی - اجتماعی قابل استنباط از سنت او را، توضیح می‌دهد و همین خاستگاه هستی شناختی است که کلام او را، زندگی او را، مرگ او را، تنهایی‌ها و خروشه‌ها، اشک‌ها و فریادها و سلوک و سیره او را، الگویی می‌دارد، جاودان و جاری در همه عرصه‌های زندگی، جامعه و تاریخ بشری.

فاطمه زهرا علیهاالسلام انسان هادی است.<sup>(5)</sup> در اسلام انسان هادی، پس از نفس الوهی پیامبر اعظم و اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، همان کسانی که در حدیث نبوی و مسلم «ثقلین»، عدل و لنگه قرآن کریم قرار گرفته‌اند. انسان هادی - ناگزیر - معصوم است. عصمت، پاکیزگی از خطا و گناه است. «علم صحیح» و «اختیار خلاق» (برآمده از جوهره عبودیت) ملازم با «عصمت» است و عصمت ملازم با علم صحیح و اختیار خلاق. آیات تطهیر و مباحله عصمت زهرا علیهاالسلام را توضیح می‌دهند.

دوم: جریان وجودی او به عنوان تربیت یافته آموزه‌ها و پرورش خانواده و پیامبر

وجود فاطمه علیهاالسلام در وجهه انسانی، عرصه جریانهای عظیم شناختی، روحی و رفتاری است:

— جریان عظیم شناختی در برخورد با انسان، زندگی، هستی، خداوند، جامعه، تاریخ، رسالت، مسؤولیت، تکلیف، دنیا و آخرت.

— جریان عظیم وجود او به عنوان بنده‌ای خاشع و عارفی عاشق در اوج عرصه‌های حماسه و تدبیر

— جریان عظیم وجود او به عنوان انسانی مسؤول در ارتباط با عمیق‌ترین دغدغه‌های بالندگی انسانی

— جریان عظیم وجود او به عنوان پاسدارترین انسان از ارزشهای انبیایی

— جریان عظیم وجود او به عنوان فداکارترین یاور و مام پیامبر خاتم

— و بسیاری جریان‌های عظیم دیگر

سوم: جریان وجودی او به عنوان انسان راهبر

فاطمه یک زن است و خود یک هادی، یک شاهد و یک امام است، یک اسوه برای هر زنی که می‌خواهد چگونه بودن خود را، چگونه شدن خویش را، خود برگزیده باشد. او در بینش و اندیشه و احساس و باورها و انگیزه‌ها و سلوک و سیره و رفتار و زندگی، آموزگار چگونه بودن و چگونه شدن زن در هر دو عرصه فردی و اجتماعی است. در وجود فاطمه علیهاالسلام جریان عظیم انسان هادی، دیدنی است:

— جریان عظیم وجود او به عنوان دردمندترین با خلق و همنشین باورها و رنجهای زن در تاریخ



— جریان عظیم وجود او برای پیشنهاد زن الگو

— جریان عظیم وجود او به عنوان مصلح‌ترین حکیم و حکیم‌ترین حماسی و حماسی‌ترین عاشق و عاشق‌ترین تبیین‌گر حق و افشاگر باطل

— و نیز جریان‌های عظیم دیگر شناختنی و ناشناختنی

با دوره‌های زندگانی آن آموزگار

شناخت ملموس دوره‌های زندگانی بانو و عصر او در درک بهتر نموده‌های عینی الگوی پیشنهادی وی برای زندگانی نسل امروز، مدد بسیار می‌رساند.

عصر تولد از نام‌گذاری که نشانه شخصیت الگویی و آرمان و خواسته پدر و مادر برای فرزندش که آموزگار فرایند عظیم بالندگی اوست.

دوره آموزش و پرورش شخصیت فکری و روحی و رفتاری و اجتماعی او با آموزه‌های وحی و خانواده و پدر در دوران کودکی.

دوره تبعید و محاصره اقتصادی و آزمون عقیده، تجربه صعوبت و آماده‌سازی اراده

و مرگ مادر و عمو و او که در این آزمون دیگر جانشین پدر بزرگ و عمو و مادر برای پدر و راهبر امت می‌شود.

و در ادامه دوره پایداری در آن برهه‌های تبلیغ و صعوبت تا هجرت به مدینه و حضور پویا در عصر آغازین شکل‌گیری مدنیت و تمدن مسلمانی

و وقت ازدواج با سالکی همراه، و آموزگاری شیوه‌گزینش همسر، میبانی نهاد خانواده، الگوی همسری و الگوی مادری؛

و دوره‌های تاریخ‌ساز پس از ازدواج یعنی دوران تکوین مدنیت نو بنیاد اسلامی و آزمون حضور تربیتی، اجتماعی - سیاسی و تعهد و مسؤولیت‌شناسی و دین‌خواهی و قناعت و زهد و ایثار در عصر هجوم کفر و نفاق تا استقرار در حضور مدنیت اسلامی مکه؛

و رخداد غدیر و تفسیر نبوی نظام ولایت؛

و وقت رحلت پیامبر و پیچیدن بزرگ‌ترین غم همه هستی در وجود فاطمه و آغاز رویارویی بدعت در برابر سنت نبوی و نمایش سقیفه؛

و تقابل دو اراده تاریخ‌ساز (سنت محمدی و جاهلیت بازگشته با نام دین) دو انتخاب ممکن با دو فرجام تاریخی تا قیامت رقم خورد؛

و پایه‌گذاری نهضت اصلاحی (در هر دو وجهه فکری در تفسیر دین و اجتماعی در فراخوانی جامعه) در برابر بدعت در حال تثبیت با روشهای مختلف و شکل‌دهی آن با تنی سوخته و شکسته و روحی دردمند تا تثبیت بینش و اصول تفسیر فاطمی از دین و جنبش فاطمی اصلاح؛

و عصر شهادت، مرگ انتخاب فاطمه است؛ درد اصلی او رنج روح است. تن او نیز پیچیده در دردی جانکاه است. درد او برای رنج خلاق تا واپسین تاریخ است.

## فصل دوم

اندیشه اصلاحی در منش فاطمی و بنیان انسانی آن

فهم دین و مدیریت حوزه تمدنی

عصر بانوی بزرگ شاهد رخدادهای عبرت‌آموز تاریخی شگرفی است که هم اینک حضور زنده آن آثار و پیامدهای آن رخدادها را می‌توان در جهان امروز شاهد بود. یکی از این رخدادها، تقابل دو جنبش در فهم و کارکرد دینی است.

پس از رحلت پیامبر اسلام در مدینه به عنوان مرکز استقرار و نشر دین اسلام و سپس تمامی جهان اسلام دو جنبش متضاد و رویاروی یکدیگر پدید آمد و گسترده شد:

1- نگرش و نهضت کوشا بر پیروی و دنبال‌گیری روش پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در فهم دین و مدیریت جامعه دینی و حوزه تمدنی اسلام و به تعبیری نگاهبان سنت رسول خدا؛

2- رویکرد و جنبش دیگر، که به گمان و اجتهاد خویش فهم دین و مدیریت حوزه تمدنی را تابعی از پیشرفت زمان می‌انگارد و تأکید بر ضرورت تجدیدنظر در نظام سیاسی و احیانا بعضی از عناصر و نظامات حقوقی دین دارد، و بر آن بود که سنت‌گرایان واقعیت را چنانکه باید درک نمی‌کنند، و این دگرگونی متناسب با خواسته‌های عصر، و به سود مسلمانان و موجب تقویت قدرت مرکزی و حفظ وحدت اسلام است.

یک نهضت و رویکرد بر آن بود که روش فهم دین و الگوی حکومت و اول مدیریت جامعه دینی در راهها و چارچوبه قرآن و سنت رسول و عصر پیامبر باشد و گرایش و حرکتی که استقرار نظام سیاسی تازه و دریافت دینی مبتنی بر استنباط نوسازی شده را - هرچند با سنت جاری پیامبر موافقت نداشته باشد - ضروری می‌دانست. امروز هم که نزدیک چهارده سده

از آن ماجرا می‌گذرد، هر دو گرایش شناختی و حکومتی در میان مسلمانان و حتی دیگر ادیان الهی و جز آنان پذیرندگان و حامیانی دارد.

بدعتها و نوگرایی‌ها

گرایشی از دوره اول اسلام چه در اساس دین و چه در فهم دین و چه در مدیریت جامعه دینی پذیرای عقلانیت مقابل نص بوده است و به تأویل در بسیاری از نصوص دست یازیده است به طوری که آن نصوص صریح را برخلاف مفاهیم و معانی آنها بدون قرینه معنی کرده یا تحریف نموده و بعضا به معارضه پرداخته است. نصوص خدا و پیامبر را به نظر خود تأویل کردند و در آن با پویش به اجتهاد پرداختند.

پس از بروز تاریخی این تقابل تا به اینک دیر حوزه تمدنی اسلام دو گرایش اندیشه‌ای و مدیریتی را می‌توان یافت:

1- یک گرایش اندیشه‌ای و اجرایی (اجتهاد و مدیریت) در راستای تعالیم سیره نبوی و علوی همانا تشیع علوی یا تسنن نبوی؛

2- گرایش اندیشه‌ای و مدیریت خارج از مدار سنت سره قرآن کریم و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان معصوم علیهم‌السلام. جماعت سقیفه آغازگران آن بوده‌اند و تا امروز نیز به نام گرایشهای مختلف سربرآورده‌اند؛

حرکت اصلاحی فاطمه علیهاالسلام پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با رخداد سقیفه آغاز می‌شود. احیای انگیزشها و باورهای دینی، احیای بینشی و فکری و اصلاح اجتماعی - سیاسی، همه مدنظر و وجهه همت فاطمه علیهاالسلام اند و برای ایفای رسالت احیایی و اصلاحی خویش از روشهای گوناگونی بهره می‌گیرد.

نهضت اصلاحی فاطمه زهرا علیهاالسلام

فاطمه علیهاالسلام و علی علیه‌السلام و خاندان پیامبر و تنی چند از یاران آنان پیشروان گرایش نخستین بودند و گروهی (بیشتر مهاجران و کمتر انصار) رهبران حرکت دیگر.

رویدادهای پی‌درپی در دوره رحلت پیامبر، فاطمه علیهاالسلام را ناگزیر می‌سازد موضع خویش را که همانا موضع نخستین است نشان دهد و خود پیشرو اصول‌گرایان و سنت‌گرایان گردد. او با سخنرانی، اندرز، اعتراض، ناخشنودی نمودن و سرزنش، سنت پیامبرشکنان و تجدیدنظر طلبان و تجددگرایان را از فرجام نامطلوب و شومی که پیش گرفته‌اند آگاه ساخت.

هرچند که بسیاری از آثار مکتوب پس از این حادثه در تحلیل این رخدادها و نیز ظاهر برخی روایات نگاهی موردی به موضوع دارند لیکن هیچکدام از گفتار و عملکرد زهرا علیهاالسلام و علی علیه‌السلام و امامان علیهم‌السلام پس از وی مانند

امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام و یاران آنان و جماعت مقابل آنان در آن روزها، جنبه شخصی ندارد. نه آن روز و نه این زمان تنها سخن بر سر آن نبوده و نیست که:

چرا جماعتی مهتری و زمامداری را از علی علیه‌السلام دریغ داشتند و شخصیتی که سال سی و پنجم هجری زمامدار مسلمانان شد باید سال یازدهم به خلافت رسیده باشد. یا چرا بر خانواده پیامبر ضیق و محاصره اقتصادی روا داشتند. فلان مزرعه را چرا گرفتند؟ و چرا موجب آن شدند که تنها منبع درآمد خانواده پیامبر ضبط شود و آنان را در محاصره اقتصادی گذاردند؟

شأن انسان مصلح، اصلاح و زنده داشتن مستمر و بر دوام اندیشه و جامعه دینداران در برهه حیات عینی دین است. اصلاح و بیدارگری دینی فراگیر دو حوزه علم و عمل یا اندیشه و جامعه دینی و تغییرات و بازسازی‌های سطحی یا دگرگونی‌های بنیادین، است. از منظر همین اندیشه اصلاحی می‌توان برپاخیزی بانوی بزرگ را تحلیل کرد.

## 1- وضعیت جامعه عصر بانوی بزرگ

با رحلت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله اندیشه و جامعه مسلمانی در آستانه تغییرات وسیع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و اقتصادی است که:

هم دیانت به منزله یک نظام عقیدتی - معرفتی یعنی فهم تفسیری دین یا تفکر دینی می‌رود تا با بدعت درآمیخته و سنت رسول میرانده شود و اسلام را لباس تحریف پوشاند و خرافه‌ها و گرایشها و باورها و سلوک دیگری را به نام اسلام مطرح کند و دین توحید و عدل به نظام طاغوتی و اشرافی‌منش بدل گردد و به جای توحید و عدل انکار وحی باشد و شره ظلم و هم جامعه دینداران می‌رود تا یک دوران نسبتاً طولانی حاکمیت مدیریت نامشروع حاکمانی بیگانه با مرام نبوی را تجربه کند و در دوران حیات و حکومت یا نامردمان به مردگی درافتد.

محروم شدن از ولایت علی علیه‌السلام و رخداد فدک و ... بیان نمودن این دو فاجعه است و آن را بینش تیزبین فاطمه علیها‌السلام در می‌یابد و سوز و اشک او بر این دو ماتم بزرگ است.

فهم رایج از دین در میان بیشتر مردم و نیز حاکمیت در آن دوره درآمیخته با امور بیگانه از دین شده است؛ حقیقت دین مخفی مانده و تفسیرهای ناصواب و وارونه از دین، مذهب و گرایش دیگری را به نام دین، در مقابل دیانت ناب نشانده و پاره‌های بسیاری از تعالیم و آموزه‌های دین مغفول و متروک مانده و جوانب انسان‌ساز و جامعه‌ساز آن متروک و مجهول افتاده و فهمی و تفسیری ناقص و معوج و مسموخ در دست و ذهن و فرهنگ مردم جاری است. تا به جایی که در توانایی دیانت نیز خلل افتاده و سطحی‌بینی و قشری‌نگری و پرهیز از اجتهاد درست در فروع و شناخت‌های عمیق منطقی و برهانی از اصول عقاید، سکه رایج گردیده و حاکمیت ارزشها و روش مدیریت خویش را از بیگانه وام می‌کند. جامعه مسلمانی نیز در

حوزه فرهنگ به ابتدال و در حوزه سیاست به حاکمیت سلطه و تباهی و در حوزه اقتصاد به فقر و نابرابری و تکاثر و بی‌عدالتی، رسیده است.

این است که بانوی بزرگ دو دغدغه بزرگ دارد: هم دغدغه اصلاح فکر دینی و هم دغدغه اصلاح جامعه مسلمانی.

شأن بانوی بزرگ در این هنگامه

حرکت بانوی بزرگ برای آن است تا دین خدا باقی بماند و همواره در درون اندیشه‌ها و جانها و باورها و سلوکها و زندگیها زنده باشد و بانوی بزرگ این راهبر آدمیت، اینک در راستای مسؤولیت اصلاحی خویش به پا می‌خیزد:

هم به عزم احیای فکر دینی و تصفیه و تقویت نظام دینی و تفسیری درست و بر صواب آموزه‌های دین در برابر آن بدعتها و انحرافهای شناختی در حوزه فکر دینی به پا می‌خیزد؛ با عزم و همتی فراگیر بر پیرایش و پالایش معارف ناب شریعت از تفسیرهای زشت بیگانه با حقیقت دین برای بازگردانیدن خلوص آن به آن و هم معرفی دوباره بخشهای واگذارده شده دین برای بازگردانیدن تمامیت آن به آن و نیز تبیین این حقیقت که دین توانمند جریان‌یابی در عرصه‌های گوناگون زندگی بشری است.

و هم به عزم اصلاح جامعه دینداران و بازسازی فرهنگ و همه شؤون زندگی ملت و پاکسازی و تقویت جامعه مسلمانی برای بازگردانیدن اصل مشروعیت و کارآمدی به نظام اجتماعی جامعه مسلمانی، در برابر آن انحرافها و انحطاطهای انسانی - اجتماعی، به پا می‌خیزد، با عزم و همتی فراگیر عنصر تربیت - انسان‌سازی و جامعه‌سازی - و عنصر سیاست و مدیریت اجتماعی برای راهبری مردم خویش رو به آرمان عدالت و صلاح و قسط و نیک‌بختی.

در راستای این رویکرد اصلاحی، سنت و زندگانی و شهادت بانوی بزرگ و راهروان راه و مرام او، دارای دو وجهه اصلی ماندگار در تاریخ اندیشه و بشریت است:

1- وجهه اول: به دست‌دهی اندیشه و نظریه دینی - شیعی اصلاح در چارچوبه یک نظریه جامعه‌شناختی از دین و دیانت و فکر و اندیشه دینی و نیز الگوی دین‌شناسانه حیات فردی و اجتماعی؛

2- وجهه دوم: به دست دادن نمونه‌ها و تبلور عینی اندیشه و دیدگاه پیشنهادی خویش با زندگی و انتخاب مرگ خویش.

فلسفه و هدف برپاخیزی بانوی بزرگ را باید از همین موضع اندیشه اصلاحی جستجو کرد. هدف حرکت بانوی بزرگ اصلاح در ارکان فکر دینی و جامعه دینداران در همه ابعاد و اصول است. بانو همه زندگانی و حتی مرگ خویش را بر سر این آرمان نهاد. موضع‌گیری‌های بانوی بزرگ در منزلتی فراتر از مرز شکنجه و شهادت، جای در رسالت بلند اصلاحی بانوی بزرگ دارد؛ رسالت احیای دین و تربیت و نجات انسان و هدایت و مدیریت زمان.

مفهوم درونی اندیشه اصلاح، ابعاد آن و اصول اصلاح فکر دینی و جامعه دینی و وجوه و مراحل درونی آن (ارائه دیدگاه و تبلور عینی بخشیدن به آن دیدگاه) الگوی خاص تحلیل نهضت بانوی بزرگ را به دست می‌دهند.

جمع‌بند دیدگاه و نظریه برگزیده ما در تحلیل بانوی بزرگ آن است که:

1- هدف و فلسفه و انگیزه نهضت بانوی بزرگ، همانا اصلاح جامعه مسلمانی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد. زن الگو این عزم و آهنگ برگزیده را دارد و از آنجا که اصلاح و احیاء جامعه دینداران بدون اصلاح فرهنگ و ساخت فکری جامعه و احیاء فهم درست و توانمند دینی، ممکن نیست، نهضت فاطمه، نهضتی اصلاحی، فراگیر دو حوزه فکر دینی و جامعه دینداران می‌باشد؛

2- بانوی بزرگ و نهضت او و یاران فاطمی‌اش در راستای هدف اصلاحی و احیاء خویشتن، دیدگاه درست در تفسیر سره و توانمند دین را و الگوی (شیوه و چگونگی) سلوک براساس آن را در دو حوزه تربیت انسانی و مدیریت اجتماعی به دست می‌دهند؛

3- دو رخداد سیاسی - اقتصادی سقیفه و فدک، زمینه فکری - اجتماعی حرکت اصلاحی بانو را ایجاد می‌کند و بانو در راستای آن هدف و فلسفه مذکور و در چارچوبه دیدگاه دین‌شناختی پیشنهادیش، اصول حرکت اصلاحی را توضیح می‌دهد و باری، هدف او، پیاده‌سازی آن هدف اصلاحی است هم در حوزه تفسیر خالص و توانمند دین و هم اصلاح جامعه مسلمانی از هر دو وجهه تربیتی و اجتماعی. زمینه و شرایط هرگونه باشند، آن هدف اصلاحی بر جای خویشتن است و روش بانو نیز همانا امر به معروف و نهی از منکر و حرکت در سو و سمت آموزه‌های پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است.

او از سویی امکانات و ابزار ممکن موجود برای رویارویی با جریان انحرافی در حال شکل‌گیری را شناسایی کرده و به کار می‌بندد حتی اگر تنها امکان سخنی در مسجد مدینه یا بستر شهادت باشد الگوی پیشنهادی فاطمه علیهاالسلام در نهضت اصلاحی‌اش حتی تا مرحله حکومت را نیز پوشش می‌دهد و شکل‌گیری حکومت مشروع - بر فرض تحقق - نیز تبلوری از همان الگوی پیشنهادی فاطمه علیهاالسلام است.

و از سویی نیز، فاطمه علیهاالسلام به خوبی شرایط را می‌دیده و می‌دانسته است. در آن شرایط و وضعیت، فاطمه علیهاالسلام با آن بینش اجتماعی پیشنهادی‌اش و آن شعور بلند اجتماعی خویشتن، به خوبی می‌داند که شرایط به گونه‌ای است که قدرت و حکومت ماندگاری برای امام علی علیه‌السلام نمی‌تواند پای بگیرد و هم اینکه در نسبت با رسالت اصلاحی وی، نقش تعیین‌کننده و ابدی ندارد؛ بلکه آن حقیقت جاودانه و ارجمند آن است که دیدگاه و الگوی پیشنهاد شود که فراگیر افقهای دوردست بشریت باشد؛ الگویی فراتر از مقتضیات زمانی معینی که راهبر شرایط و وضعیتها و مقتضیات دیگر نتواند باشد.

بلی، الگوی پیشنهادی فاطمه علیهاالسلام در نهضت اصلاحی، نظام عدل مشروع کارآمد برای مدیریت صالح و شایسته اجتماعی را نیز شامل است و نیز باری، آهنگ فاطمه علیهاالسلام برای شهادت نیست؛ بلکه برای اصلاح مردمان است؛ با همه هستی‌اش و حتی با مرگش و بر عزم و آرمان خویش ایستادن، همان آرمان دین‌خواهی، حتی اگر به جز با شهادت خویش و با انتخاب مرگ خویش نتوان تفسیرگر دیانت ناب و تربیت‌کننده بشر و راهبر خلق به سوی نیکی و عدالت و حکومت صالح و شایسته و انسانی و شکننده کفر و فسق و ظلم، بود.

ابعاد جریان اندیشه اصلاحی با عاشورا

قیام فاطمه علیهاالسلام از جنبه معرفتی و شناختی، همانا براساس دیدگاه و موضع اصلاحی خویش، به دست دادن دیدگاه و تصویری سره و خالص و توانمند از دین و ارائه دیدگاهی دین‌شناسانه از مجموعه مقولات و موضوعات شناختی دست‌اندرکار زندگی فردی و اجتماعی آدمیان می‌باشد. در سنت بانوی بزرگ (سخن و سلوک و سیره او) و فاطمیان همراهش، می‌توان این دیدگاه و تصویر را شناخت و آن را استنباط کرد و در قالب یک الگو و مدل شناختی آن را ارائه داد. جنبه‌های عمده و اصلی اندیشه اصلاح این‌گونه‌اند که:

— «مفهوم اندیشه اصلاح»، فراگیر دو اصل خلوص و توانمندی در حوزه فکر دینی و دو اصل مشروعیت و کارآمدی در حوزه نظام اجتماعی جامعه دینداران است.

— «ابعاد اندیشه اصلاح»، هم شامل شناخت دینی و هم جامعه دینداران است و هم شامل نظریه و عمل یا توصیف و رفتار راهبر و مصلح دینی، می‌باشد.

— شیوه‌ها و شکل‌های اصلاح، که در بخش اصلاح و احیاء و بیداری فکر دینی، روش‌های خالص‌سازی و توانمندسازی و در بخش اصلاح جامعه مسلمانی، روش‌های شکل‌دهی مشروعیت نظام و کارآمدی آن، موردنظر هستند و فاطمه علیهاالسلام و راه روان مرام او در نهضت اصلاحی خویش این اصل و شیوه‌ها و شکل‌ها را تبیین کرده و به دست می‌دهند.

برپایه این دیدگاه اصلاحی، مضمون آموزشی - تربیتی و اجتماعی بانو، درست‌تر و بهتر شناخته می‌شود. بر این اساس، با فاطمه علیهاالسلام یکی رابطه میان انسان و مذهب و دیگری رابطه جامعه و مذهب، تفسیری درست و بالنده و عینی و زندگی‌ساز و کرامت‌آفرین و عزت‌بخش می‌گیرد.

از جنبه انسانی اصلاح، با فاطمه علیهاالسلام، اصل انسان‌سازی و تربیت انسانی شناخته می‌شود: یکی دیدگاه دینی فاطمه علیهاالسلام در مقوله تربیت و انسان‌سازی و دیگری وجهه تربیتی فاطمه علیهاالسلام و نمونه‌های عینی تربیت دینی با فاطمه علیهاالسلام، دریافت می‌شود.

از جنبه اجتماعی اصلاح نیز، با فاطمه علیهاالسلام اصل جامعه‌سازی و مدیریت اجتماعی شناخته می‌شود: یکی دیدگاه دینی فاطمه علیهاالسلام به مقوله مدیریت تحول اجتماعی و دیگری وجهه اجتماعی و جامعه‌شناختی و مدیریتی نهضت فاطمه علیهاالسلام .

### اصول نهضت اصلاحی فاطمه علیهاالسلام

احیای انگیزشی، فکری، معرفتی، تمدنی، اعتقادی و شعائری و هنجاری و نیز اصلاح ساختاری، رفتاری و فرآیندی در جامعه معاصر خویش خطاب به تمامیت تاریخ برآمده از جریان سیر و سلوک شخصیتی فاطمه علیهاالسلام ، ابعاد نظرگیر حرکت اصلاحی بانو را تشکیل می‌دهند؛ همچنان که روشهای گوناگون احیای پالایشی، احیای جامع نگرانه، احیای ساختاری یا بازسازی بنیادین، فرهنگ‌سازی، برخی از اصول این حرکت تاریخ‌ساز است.

شناخت ابعاد و اصول حرکت اصلاحی فاطمه علیهاالسلام ما را به شناخت زیرساز و ماهیت این حرکت نزدیک می‌کند و می‌توان پی‌جوی پاسخ دو پرسش بود. یکی اینکه زیرساز نظری اندیشه اصلاحی فاطمه علیهاالسلام چیست؟ اندیشه ترقی پایه اندیشه اصلاحی فاطمه علیهاالسلام است و نوع گفتمان برگزیده ایشان از اندیشه ترقی و کیفیت تحول در این گفتمان، بینش دین‌شناختی، فرایند تحول در این بینش و نگرش اصلاحی وی به دین، فکر دینی و ساخت اجتماعی را سامان می‌بخشد.

### تجربه دینی، مضمون ماهیت حرکت اصلاحی بانو

پرسش دیگر آنکه ماهیت حرکت اصلاحی فاطمه علیهاالسلام به گونه‌ای که یک نظریه مشخص، مبانی اندیشه‌ای فاطمه علیهاالسلام ، حیات و جریان سیر و سلوک فردی و اجتماعی وی و بینش دین‌شناختی او در حرکت اصلاحی، این دو وجهه در پیوستگی با حیات دینی را و همین‌طور ابعاد و اصول نهضت اصلاحی را تحلیل کند، چیست؟ به نظر می‌رسد عنصر تحلیلی «تجربه دینی» مبنای تحلیلی سزاواری برای پاسخ‌دهی به این پرسش باشد. تجربه دینی میدان‌دار شخصیت و حیات فردی و اجتماعی بانوی بزرگ است. این تجربه و بسط آن در زندگانی فاطمه علیهاالسلام و در هر دو وجهه پیامبرانه‌اش، یکی تجربه درونی (روانشناختی) و دیگری تجربه بیرونی (جامعه‌شناختی) در معاضدت با یکدیگر، قابل مشاهده است. اولی بستر شکل‌یابی بر دوام و آرمانی تجربه جامعه‌شناختی را به همراه داشت و تجربه جامعه‌شناختی وی نیز، غنا و پیچیدگی و ژرفایی و واقع‌گرایی تجربه درونیش را به ارمغان آورد. به همین منوال باید گفت که مقوم شخصیت تعالی یافته زن در دیدگاه دین‌شناختی پیشنهادی فاطمه علیهاالسلام به اصطلاح امروز همانا «تجربه دینی» است، راه و سلوکی به جز این، برای زن، برای همه آدمیان تنها پوششی پوک با اسم و رسمهایی خالی از عناصر محتوایی و نواب تعالی انسانی و ترقی جامعه‌شناختی، خواهد بود. توسعه واقعی زن امروز دست کم در نگرش پیشنهادی دین، وام‌دار تجربه دینی هر بانویی می‌باشد. شرط تبعیت از زهرا علیهاالسلام ، پیروی از نوع تجربه دینی پیشنهادی اوست. تجربه دینی بانو، دارای



دو وجهه درونی و بیرونی و به تعبیری دو وجهه روانشناختی و جامعه شناختی است. این دو وجهه در توسعه پایدار و انسانی، توأمان و هماهنگ بایستی مورد سلوک و اقدام قرار گیرد.

فاطمه علیهاالسلام و روشهای تبیین موضع اصلاحی

فاطمه علیهاالسلام برای ایفای رسالت اصلاحی به تناسب مجال اندکی که در اختیار اوست<sup>(6)</sup> و به تناسب شرایط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی خاص آن دوره و مقدرات و امکانات موجود خویش از چند روش بهره می‌جوید و فراخوان جامعه مخاطب خویش به اصلاح اندیشه‌ها و باورها و عملکردها و فرایند و ساخت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و بازگشت به خودی اسلامی خویش یعنی سنت نبوی، است:<sup>(7)</sup>

— با دعوتهای شبانه از مهاجرین و انصار؛

— با یادآوری‌ها و تذکرها در مثل بیعت‌های پیشین با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای یآوری اهل بیت علیهم‌السلام و انقیاد همواره در برابر آنان، مانند حماسه غدیر و مانند منزلت علی علیه‌السلام برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و مانند اشاره به حدیث ثقلین و نیز حماسه‌ها و فضایل علی علیه‌السلام در عصر زبونی همه آن پیمان‌شکنان و اهل نفاق و بدعت و شرک؛

— با حمایت و دفاع جانانه از علی علیه‌السلام حتی با تن مجروح و شکسته‌اش و نفرین نابکاران و تن خویش را سپر علی علیه‌السلام ساختن؛

— با سخنرانی و تبیین و افشاگری؛

— با تحریم سخن گفتن با رهبران و کارگزاران و مزدوران کودتای سقیفه؛

— با هشدار به ایشان از فرجام شوم تاریخی این اقدام و دستاورد سیاه آنان در قیامت و برحذر داشتن آنان از غضب و عذاب خداوندی؛

— و با بهانه قرار دادن تصرف عدوانی فدک برای افشاء بدعتها و سنت‌شکنی‌ها؛

— و با سرزنش مردان و زنان و جوشانیدن غیرت آنان؛

— و حتی با اذان بلال و سوز و اشک شبانه‌روزی در خانه و مسجد و حتی بیرون مدینه بر سر راه کاروانیان چه که کربلای نینوای فردا و کربلای شلمچه و پاره پسین آن را و دورترها را نیز می‌دید؛

— و با اقرار گرفتن از بدعتیان و سنت‌شکنان و کودتاچیان بر حقانیت و صداقت سخنان و حق خواهیهای خویش؛

— و درست به وقت نداشتن هیچ امکانات و مقدوراتی برای شکستن نفاق و تباهی و بدعت و سلطه با دو روش یکی وصیت اینکه نمی‌خواهم و نباید حتی مدعیان همسری با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌جنازه مرا ببینند و نیز از آن کسان کسی در نماز و تشییع حاضر نباشد و نیز این وصیت که نشانی مزار او معلوم نباشد تا هیچ‌کس - آن نابکاران و دیگر مردمان - قادر به برکنار داشتن خویش از محکمه وجدان و فلاح و هدایت و نبوت و وصایت و ولایت و حقانیت و مشروعیت و عدالت و سعادت و قیامت نباشند. تا آیندگان و فرشتگان و جهانیان همواره این پرسش را داشته باشند که چرا این‌گونه شد؟ و چگونه می‌بایست می‌شد و دو فرجام جدا برای رخداد تاریخی و خواهانی آرمانی را به عینه در تاریخ و قیامت مشاهده کنند و داوری نمایند.

### موضع اصلاحی فاطمه علیهاالسلام در خطابه‌های او

شأن فاطمه علیهاالسلام در برابر بدعت و انحطاط نظام سلطه در حال شکل‌گیری، چونان هر راهبر الهی همانا احیای فکر سره دینی و سنت نبوی و اصلاح اجتماعی است. خطابه‌های فاطمه علیهاالسلام، دیدگاه اصلاحی وی را در برابر وضعیت عصر خویش می‌توان دریافت:

اولین سخن تفصیلی او با جماعت بدعتگزاران و مردمان در مسجد مدینه در برابر مجمع عمومی مسلمانان است و دومین آن در برابر جمعی از زنان عیادت کننده او.

— بیان فاطمه علیهاالسلام در مسجد مدینه هر سه حوزه اصلاحی را شامل است. ابتدا نگاهی به مطلوبیت و آرمان پیشنهادی دین برای بشر سپس تحلیل وضعیت و شرایط موجود و آنگاه پیشنهاد راهکارها و راهبردهای اصلاح و راهبری وضعیت موجود.

— فاطمه علیهاالسلام بیمار در بستر افتاده است. اندک کسانی مانند بلال و سلمان او را دلدار بودند و غمگسار. روزی تنی چند از زنان مهاجر و انصار به دیدار او می‌روند<sup>(8)</sup> جویای حال فاطمه علیهاالسلام می‌شوند و فاطمه علیهاالسلام سخنی بلیغ با آنان در چند فراز دارد. فهرست و سرفصل فرازهای این دو سخن در فصل آخرین این مقال و اندکی مرور شده است و تفصیل آن در جای خود آمده است.

در این میان بنگرید درد عظیم علی علیه‌السلام را که مانند کوهی در درون خود آتشفشانی را در غلیان دارد اما برای پاسداری از کیان دین و حرمت ولایت و ماندگاری امامت و وحدت امت صبوری می‌کند و پوسته صورت و دست بر شمشیر را در اختیار دارد و عنان شکیبایی زده است. از درون چگونه در تب و تاب است.

یک کشش عمیق هم بانو را بی‌تاب رفتن کرده است. کشش به دیدار پدر که مژده این زیارت را پیشتر از خود او گرفته است.

در آخرین روز زندگانی، خواست تا برایش آبی فراهم شود. به نیکوترین صورت خود را شست. جامه نو خواست. آن را پوشید. خواست تا بسترش را در وسط اتاقش بگسترانند. آنگاه در بستر رو به قبله قرار گرفت دستهایش را بر گونه‌اش نهاد و گفت هم اینک روحم پر خواهد کشید.<sup>(9)</sup> و آنگاه ... پریان در سوز و آسمان و زمین در سوگ و علی علیه‌السلام با شنودن خبر در پیچ و تاب غریب و تنها. فرشتگان گواه بودند و ما را تنها خبری است از آن رنج عظیم.

فاطمه علیهاالسلام به شهادت رسید.<sup>(10)</sup>

یادداشتها:

- 1- دعای توسل به چهارده معصوم(ع)؛ مصباح‌المنیر، صص 202 - 208
- 2- بحارالانوار، ج 53، صص 179-180
- 3- معانی الاخبار، صص 114 - 115
- 4- بحارالانوار، ج 23، ص 51
- 5- درباره انسان هادی نک به: حکیمی محمدرضا، کلام جاودانه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1370، 48 - 59
- 6- به تفاوت اخبرا از چهل شب (بحارالانوار، ج 43، صص 180 و 199) تا هشت ماه (الاستیعاب، ص 749)
- 7- فهرست منابع و مصادر موارد در مکتوب بلند مذکور آمده است.
- 8- صدوق به اسناد خود از فاطمه علیهاالسلام دختر حسین علی علیه‌السلام، بحارالانوار، ج 43، ص 158
- 9- بحارالانوار، ج 43، ص 172

امام کاظم علیه‌السلام : ان فاطمه علیهاالسلام شهیده کافی، ج 1، ص